تو که با دشمنان نظر داری . . . 1

متن اجرا:

در زمان امام کاظم ( علیه السلام) خلیفه وقت بیماری سختی میگیره و پزشک هایی هم که برای او میارن هیچ کودوم نمی تونن کاری براش انجام بدن خلاصه یکی از پزشک ها میگه یک راه بیشتر برای معالجه ی خلیفه وجود نداره اونم اینه که از یک آدم خاص که مستحاب الدعوه باشه بخواید برای خلیفه دعا کنه .

خلیفه گفت چاره ی کار من دست موسی بن جعفر ( علیه السلام) است ، و عده ای رو فرستاد تا ایشون رو بیارند ، گروهی از دربار رفتند و داستان را برای امام کاظم (علیه السلام) تعریف کردند ، امام در راه خانه تا دربار دعا کردند و بیماری خلیفه به طور کامل از بین رفت . خلیفه وقتی امام را دید ایشان را قسم داد که شما برای من چه دعایی کردید ؟

امام (علیه السلام) فرمودند: من گفتم : خدایا! همانطور که خواری گناه کاری او را نشانش دادی ، عزت و شرافت بندگی مرا هم به او نشان بده.

یا مهدی!

گمان ندارم تویی که پدرت برای کسی که حقش را خورده بود و دشمن او بود دعا کرد، برای من دعا نکنی، کافی است تو را ببینم بشناسم بفهمم و صدایت کنم و بگویم مرا دعا کن، گمان ندارم به بدیم نگاه کنی و حاجتم روا نسازی ، من کجا و خلیفه نامرد عباسی...

متن ترجمه:

حکایت شده است که یکی از خلفا بیماری روده گرفت و طبیبی که آورده بودند کاری نتوانست بکند و گفت معالجه این بیمار امکان پذیر نیست مگر اینکه کسی که مستجاب الدعوه است و بلند مرتبه است برای تو دعا کند .خلیفه گفت : چاره کار من پیش موسی بن جعفر است.

ایشان را آوردند ودر حالیکه در راه ،خدای سبحان را می خواندند و دعا می فرمودند ، بیماری خلیفه از بین رفت. در این هنگام خلیفه حضرت کاظم علیه السلام را به حق رسول الله قسم داد که بفرمایند چه دعایی کردند . حضرت فرمودند:

خدايا همان طور كه خوارى گناهكارى او را نشانش دادى عزت و شرافت بندگى و اطاعت مرا نيز باو نشان ده. همان ساعت خداوند او را شفا داد.

مناقب آل أبي طالب عليهم السلام (لابن شهرآشوب)، ج‏4، ص: 305

عوالم العلوم و المعارف والأحوال من الآيات و الأخبار و الأقوال (مستدرك سيدة النساء إلى الإمام الجواد، ج‏21-الكاظم‏ ع، ص: 238

بحار الأنوار (ط - بيروت)، ج‏48، ص: 140-141

1.دعا